

المصرية؛ موسوعة مكة المكرمة و المدينة المنورة: احمد زكى يمانى، مصر، مؤسسة الفرقان، ۱۴۲۹ق؛ النجوم الزاهرة: ابن تغرى بردى الاتابكى (م. ۸۷۴ق.)، مصر، وزارة الثقافة و الارشاد القومي؛ نهاية الارب: احمد بن عبدالوهاب النويرى (م. ۷۳۳ق.)، قاهره، دار الكتب و الوثائق، ۱۴۲۳ق؛ وفاء الوفاء: السمهودى (م. ۹۱۱ق.)، به كوش محمد عبدالحميد، بيروت، دار الكتب العلمية، ۲۰۰۶م.

سيد محمود سامانى



اشعار ← اشعار و تقلید

اشعار و تقلید: از سبب‌های انعقاد احرام در حج قران بر پایه برخی مذاهب اسلامی

واژه «اشعار» مصدر باب افعال از ریشه «ش - ع - ر» به معنای اعلام کردن، نشانه گذاری و درآوردن خون^۱ است. کاربرد فقهی این واژه نزدیک به همین معنای لغوی است. اشعار شتر یعنی شکافتن یک سوی کوهان و خون‌آلود کردن آن، به نشانه مختص بودنش برای قربانی.^۲ واژه تقلید نیز مصدر باب تفعیل از ریشه «ق - ل -

۱. لسان العرب، ج ۴، ص ۴۱۳؛ تاج العروس، ج ۷، ص ۲۳، ۳۷، «شعر».

۲. المغنی، ج ۳، ص ۵۷۴؛ جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۵۷؛ معجم المصطلحات، ج ۱، ص ۱۹۴.

د» به معنای افکندن قلاده بر گردن است^۳ و در اصطلاح باب حج، به معنای آویختن نعل و چیزهای دیگر بر گردن قربانی به قصد نشانه گذاری آن برای قربانی شدن است.^۴ گاه از این دو به «سیاق الهدی» تعبیر شده است.^۵

◀ **پیشینه و اهمیت:** چنان که گفته‌اند، اشعار و تقلید از سنت‌های ابراهیمی هستند که پیش از پیدایش اسلام بدان عمل می‌شده است.^۶ مردم در روزگار جاهلیت، کفش یا قلاده‌ای برگردن حیوانات آماده برای قربانی کردن در حج می‌انداختند یا بر پوست و کوهان شتر جراحتی ایجاد می‌کردند تا هم راهزنان در آن طمع نکنند و حرمت و قداست آن رعایت شود و هم مردم بدانند که این حیوان ویژه قربانی حج است.^۷ آنان پس از انجام دادن اشعار یا تقلید، هرگونه بهره‌وری از حیوان اشعار یا تقلید شده را بر خود حرام می‌پنداشتند و حتی در گرسنگی سخت، از آن بهره نمی‌بردند.^۸ در آن روزگار، حاجیان گاه با آویختن گردن آویزی از مو، پشم یا پوست

۳. الصحاح، ج ۲، ص ۵۲۷؛ تاج العروس، ج ۵، ص ۲۰۵، «قلد».

۴. المغنی، ج ۳، ص ۵۷۴-۵۷۵؛ تذکره الفقهاء، ج ۷، ص ۲۵۷؛ الفقه الاسلامی، ج ۳، ص ۶۶۶.

۵. الروضة البهیة، ج ۲، ص ۳۰۰؛ کشف اللام، ج ۶، ص ۱۷۹؛ جواهر الکلام، ج ۱۹، ص ۱۹۳.

۶. تفسیر قرطبی، ج ۶، ص ۴۰؛ العرف الشذی، ج ۲، ص ۲۶۷؛ المفصل، ج ۱۱، ص ۲۱۰، ۳۸۸.

۷. المفصل، ج ۱۱، ص ۲۰۹-۲۱۰، ۳۸۸.

۸. التفسیر الکبیر، ج ۱۲، ص ۱۰۱.

یافتن حیوان اشعار شده برای قربانی، و آسان‌تر بودن شناخت حیوان برای مالک خود پس از اشعار و تقلید.^۶

◀ **استحباب اشعار و تقلید:** به اجماع فقیهان امامی^۷ و به باور بسیاری از فقیهان اهل سنت^۸، اشعار نه تنها مشروع، بلکه مستحب است. از صحابه و فقیهان نخستین نیز افرادی مانند ابن عمر، حسن بصری، قاسم بن محمد، سالم بن عبدالله، عطاء، ابویوسف، اسحاق و ابو ثور به استحباب اشعار باور داشتند.^۹ پشتوانه این گروه از فقیهان، سیره پیامبر ﷺ به مقتضای روایت‌هایی است که از انجام گرفتن اشعار و تقلید به دست ایشان گزارش کرده‌اند.^{۱۰}

در برابر، ابوحنیفه بدین استدلال که اشعار گونه‌ای مُثله کردن و مایه آزار حیوان است، آن را مکروه، بلکه حرام، دانسته است.^{۱۱} از میان صحابه و فقیهان نخستین، مکروه شمردن اشعار تنها به ابراهیم بن یزید نخعی نسبت یافته است.^{۱۲} نظر ابوحنیفه مخالف حدیث‌های

۶. علل الشرایع، ج ۲، ص ۴۳۴؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۲۳؛ صحیح مسلم، نووی، ج ۸، ص ۲۲۸؛ المجموع، ج ۸، ص ۳۵۸.

۷. مستند الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۰۵.

۸. المغنی، ج ۳، ص ۵۷۵؛ المجموع، ج ۸، ص ۳۵۸.

۹. شرح صحیح البخاری، ج ۴، ص ۳۸۲.

۱۰. صحیح البخاری، ج ۲، ص ۱۸۲-۱۸۳؛ المغنی، ج ۳، ص ۵۷۵.

۱۱. المبسوط، سرخسی، ج ۴، ص ۱۳۸؛ بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۱۶۲؛ حلیة العلماء، ج ۳، ص ۲۲۷.

۱۲. سنن الترمذی، ج ۲، ص ۱۹۴-۱۹۵.

درختان، به گمان خود، خویشتن را از گزند دشمنان حفظ می‌کردند.^۱

اشعار و تقلید در اسلام با حدود و شرایطی تأیید شده و در منابع فقهی امامی و شماری از اهل سنت به منزله جایگزین تلبیه، از سب‌های انعقاد احرام در حج قران مطرح شده است. گفتنی است که حج قران در کنار حج افراد* و حج تمتع* یکی از اقسام سه‌گانه حج و وظیفه کسانی است که در محدوده ۴۸ میلی مکه سکونت دارند.^۲ (حج قران*) به باور برخی از مفسران، مقصود از شعائر الهی که در آیه ۲ مائده/۵ پاسداشت حرمت آن سفارش شده، شترهای اشعار شده برای حج هستند.^۳ «قلائد» در آیه ۲ و ۹۷ مائده/۵ نیز به قربانی‌های نشان‌دار تفسیر شده^۴ و ذکر آن پس از هژی، از قبیل ذکر خاص پس از عام است که از اهمیت این موضوع نشان دارد.^۵

در منابع گوناگون، حکمت‌هایی برای اشعار و تقلید بیان شده که برخی از آن‌ها عبارتند از: ناتوانی شیطان از دست زدن به حیوان، آمرزش صاحب حیوان با ریختن نخستین قطره خون از حیوان اشعار شده، آگاهی دیگران از اختصاص

۱. مجمع البیان، ج ۳، ص ۳۸۲؛ روح المعانی، ج ۴، ص ۳۶.

۲. اللعة الدمشقیه، ص ۶۶.

۳. نک: التبیان، ج ۴، ص ۳۱.

۴. روض الجنان، ج ۷، ص ۱۶۶.

۵. مواهب الرحمن، ج ۱۰، ص ۲۵۹؛ مسالک الافهام، کاظمی، ج ۲، ص ۲۸۲.

صحیح قلمداد شده و در نقد آن گفته‌اند: انجام دادن کارهایی چون فصد، حجامت و نشانه‌گذاری بر اندام‌های بدن حیوانات که بر پایه مصالحی صورت می‌گیرد، مصداق مثله کردن نیست.^۱ حتی اگر اشعار گونه‌ای مثله کردن شمرده شود، باید گفت که با توجه به حدیث‌های پیش گفته، ادله عام نهی از مثله و آزار حیوانات، تخصیص خورده و این کار به گونه خاص روا دانسته شده است.^۲ از این رو، برخی در توجیه این دیدگاه، کراهت را تنها مربوط به اشعاری دانسته‌اند که از اندازه بگذرد و مایه بیم از تلف شدن حیوان باشد.^۳ درباره استحباب تقلید، اجمالاً همه فقیهان مذاهب اسلامی اتفاق نظر دارند.^۴

◀ چگونگی اشعار: در منابع فقهی، اشعار

با این قیود و آداب بیان شده است:

۱. ایجاد شکاف در سمت راست

حیوان: از دیدگاه فقیهان امامی، اشعار باید در سمت راست کوهان شتر صورت پذیرد. البته در صورت تعدد شترها، اشعارکننده باید میان دو شتر قرار گیرد و نخست سمت راست کوهان یک شتر و سپس سمت چپ کوهان

۱. صحیح مسلم، نووی، ج ۸، ص ۲۲۸.

۲. المجموع، ج ۸، ص ۳۵۹؛ نیل الاوطار، ج ۵، ص ۱۸۳-۱۸۴.

۳. المبسوط، سرخسی، ج ۴، ص ۱۲۸-۱۳۹؛ تفسیر قرطبی، ج ۶، ص ۳۸.

۴. اکمال المعلم، ج ۴، ص ۱۷۰؛ الفقه الاسلامی، ج ۳، ص ۶۶۶؛

مستند الشیعه، ج ۱۳، ص ۱۰۵.

دیگری را بشکافد.^۵ پشتوانه آنان، حدیث‌های معاویه بن عمار^۶ و جمیل بن دراج^۷ است. از فقیهان دیگر مذاهب نیز کسانی چون شافعی، احمد حنبل و ابو ثور، اشعار را در سمت راست حیوان مستحب می‌دانند.^۸ پشتوانه آن‌ها گزارش ابن عباس از چگونگی اشعار پیامبر ﷺ است.^۹ در برابر، برخی به استناد شیوه اشعار عبدالله بن عمر، به تخییر باور دارند^{۱۰} یا اشعار را در سمت چپ کوهان شتر مستحب می‌دانند.^{۱۱} در مقام موازنه میان این دیدگاه‌ها گفته‌اند: بی‌تردید باید دیدگاهی پذیرفته شود که با کار پیامبر ﷺ سازگار باشد.^{۱۲}

۲. خون آلود کردن پهلو حیوان:

شماری از امامیان^{۱۳} و برخی از شافعیان^{۱۴}، آغشته کردن پهلو شتر به خون را لازم و آن

۵. مدارک الاحکام، ج ۷، ص ۱۹۶؛ مستند الشیعه، ج ۱۳، ص ۱۰۵؛ ریاض المسائل، ج ۶، ص ۱۵۴.

۶. الکافی، ج ۴، ص ۲۹۷.

۷. الکافی، ج ۴، ص ۲۹۷.

۸. الام، ج ۲، ص ۳۳۸؛ المغنی، ج ۳، ص ۵۷۴؛ المجموع، ج ۸، ص ۳۵۸.

۹. صحیح مسلم، ص ۵۸۹؛ سنن الترمذی، ج ۳، ص ۱۹۴؛ عمدة القاری، ج ۱۰، ص ۳۵.

۱۰. الاستذکار، ج ۴، ص ۲۴۶-۲۴۷؛ المحلی، ج ۷، ص ۱۱۲؛ فتح الباری، ج ۳، ص ۴۳۴.

۱۱. مختصر خلیل، ص ۷۶؛ مواهب الجلیل، ج ۴، ص ۲۸۰.

۱۲. المحلی، ج ۷، ص ۱۱۲؛ تذکرة الفقهاء، ج ۸، ص ۳۰۱؛ المغنی، ج ۳، ص ۵۷۴.

۱۳. تحریر الاحکام، ج ۱، ص ۶۳۴؛ العروة الوثقی، ج ۴، ص ۶۶۷.

۱۴. المجموع، ج ۸، ص ۳۵۸؛ اعانة الطالبین، ج ۲، ص ۳۵۷.

اشعار شتر هنگامی صورت پذیرد که سینه بر زمین نهاده باشد.

۶. انجام دادن اشعار به دست خود

احرام گزار: شماری از فقیهان امامی در فرض توانایی احرام گزار، انجام گرفتن اشعار به دست خود او را شرط کرده‌اند.^{۱۰} اما شماری دیگر آن را از آداب اشعار شمرده‌اند.^{۱۱}

◀ **چگونگی تقلید:** به باور فقیهان امامی، تقلید بدین ترتیب تحقق می‌یابد که حج گزار نعلی کهنه را که با آن نماز گزارده، بر گردن قربانی افکند.^{۱۲} به تصریح شماری از فقیهان، نماز یاد شده اعم از نماز واجب و مستحب و شکسته و تمام است.^{۱۳} به این شیوه تقلید در برخی از حدیث‌ها^{۱۴} تصریح شده است. اما شماری از امامیان به پشتوانه روایاتی دیگر^{۱۵}، آویختن نخ، بند چرمی و مانند آن را نیز کافی دانسته و همین را نشانه قربانی بودن آن خوانده‌اند.^{۱۶} بیشتر فقیهان مذاهب دیگر نیز آویختن یک نعل را کافی دانسته‌اند و تنها

را در تحقق مفهوم اشعار دخیل دانسته‌اند. اما شماری از فقیهان امامی آن را بی‌دلیل شمرده‌اند.^۱

۳. ایستادن حاجی در سمت چپ

قربانی هنگام اشعار: شماری از فقیهان امامی، ایستادن اشعارکننده را در سمت چپ حیوان شرط کرده‌اند.^۲ پشتوانه آنان، روایت صریح معاویة بن عمار^۳ است: «يقوم الرجل في الجانب الأيسر ثم يقلدها». شماری دیگر احتمال داده‌اند که این عبارت مربوط به تقلید باشد، نه اشعار.^۴ ولی برخی از فقیهان امامی معاصر این احتمال را پذیرفته‌اند.^۵

۴. رو به قبله کردن حیوان هنگام

اشعار: به گفته شماری از فقیهان امامی^۶ و اهل سنت^۷ از آداب اشعار آن است که حیوان هنگام اشعار، رو به قبله باشد.

۵. انجام دادن اشعار در حالی که شتر

سینه بر زمین نهاده باشد: به تصریح بسیاری از فقیهان^۸ به پشتوانه روایات^۹ سزاوار است که

۹. من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۳۲۴؛ التهذيب، ج ۵، ص ۴۳.
 ۱۰. كشف الغطاء، ج ۴، ص ۵۲۹.
 ۱۱. الدروس، ج ۱، ص ۴۸۳.
 ۱۲. شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۱۷۶؛ العروة الوثقى، ج ۴، ص ۶۶۷؛
 كلمة التقوى، ج ۳، ص ۲۹۴.
 ۱۳. كشف الغطاء، ج ۴، ص ۵۳.
 ۱۴. الكافي، ج ۴، ص ۲۹۷؛ من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۳۲۴.
 ۱۵. من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۳۲۳.
 ۱۶. تحرير الاحكام، ج ۱، ص ۵۷۲؛ الدروس، ج ۱، ص ۳۴۹؛ معتمد
 العروة، ج ۳، ص ۳۴۰.

۱. الحدائق، ج ۱۵، ص ۴۹؛ رياض المسائل، ج ۶، ص ۱۵۴.
 ۲. جواهر الكلام، ج ۱۸، ص ۵۷.
 ۳. الكافي، ج ۴، ص ۲۹۷.
 ۴. معتمد العروة، ج ۲، ص ۵۲۵-۵۳۶.
 ۵. فقه الحج، ج ۳، ص ۶۹.
 ۶. الدروس، ج ۱، ص ۴۸۳.
 ۷. الموطأ، ج ۱، ص ۳۷۹؛ بداية المجتهد، ج ۱، ص ۳۰۱؛ المجموع،
 ج ۸، ص ۲۵۸.
 ۸. السرائر، ج ۱، ص ۵۳۵؛ تذكرة الفقهاء، ج ۷، ص ۲۵۸؛ الدروس،
 ج ۱، ص ۴۸۳.

سفیان ثوری آویختن دو نعل را شرط کرده است.^۱ شماری دیگر از اهل سنت، آویختن چیزهای دیگر را نیز کافی شمرده‌اند.^۲ به تصریح برخی از اهل سنت، سزاوار است نعلی که با آن تقلید صورت می‌گیرد، گرانبها باشد تا بتوان آن را پس از ذبح قربانی صدقه داد.^۳ به باور فقیهان امامی و اهل سنت، از آداب اشعار و تقلید آن است که پس از اشعار و تقلید، حیوان با پوشش ویژه پوشانده شود.^۴ (← تجلیل)

◀ موارد اشعار و تقلید: فقیهان امامی،

اشعار و تقلید را در این موارد مستحب دانسته‌اند:

۱. ◀ **قربانی در حج قرآن:** مهم‌ترین مصداق اجرای اشعار و تقلید، قربانی در حج قرآن است تا آن‌جا که بسیاری از فقیهان امامی تنها مورد اشعار و تقلید را همین دانسته‌اند.^۵
۲. ◀ **قربانی در حج تمتع:** شماری از فقیهان امامی به استحباب اشعار و تقلید در قربانی حج تمتع نیز باور دارند.^۶
۳. ◀ **قربانی فرستاده شده از راه دور:** به

تصریح شماری از فقیهان امامی، مستحب است حج گزار آفاقی به مکه قربانی بفرستد و با دوستان خود موعدی را برای انجام دادن اشعار و تقلید در میقات معین کند. مستحب است فرستنده قربانی در فاصله موعد اشعار و تقلید تا ذبح حیوان، از محرّمات احرام اجتناب کند.^۷ فقیهان اهل سنت نیز به استحباب اشعار و تقلید در این موارد تصریح کرده‌اند؛^۸ هر چند مکان اجرای اشعار و تقلید در مورد سوم را شهری دانسته‌اند که قربانی از آن‌جا فرستاده شده است.^۹

◀ زمان و مکان اشعار و تقلید: به باور

مشهور فقیهان امامی، مکان انجام دادن اشعار و تقلید، میقات است. اگر تنها پس از احرام در میقات، همراه داشتن حیوان ممکن شود، می‌توان همان‌جا اشعار و تقلید نمود.^{۱۰} در سخن شماری از فقیهان اهل سنت نیز به این تفصیل اشاره شده است.^{۱۱} اما شماری دیگر به پشتوانه روایات، هنگام اشعار و تقلید را همان زمان احرام دانسته‌اند^{۱۲}، حتی اگر احرام پیش

۷. تنقیح الرائع، ج ۱، ص ۵۳۰؛ اللوامع، ج ۸، ص ۳۳۶؛ شرح فروع الکافی، ج ۵، ص ۵۱۸.

۸. المجموع، ج ۸، ص ۳۶۱؛ حاشیه رد المحتار، ج ۲، ص ۶۷۵.

۹. المجموع، ج ۸، ص ۳۶۱.

۱۰. الدرر، ج ۱، ص ۴۸۳-۴۸۴؛ ذخیره المعاد، ج ۲، ص ۵۵۰.

۱۱. المغنی، ج ۳، ص ۵۷۵؛ شرح مختصر خلیل، ج ۲، ص ۳۸۳.

۱۲. احکام الاحکام، ج ۱، ص ۳۲۳؛ الذخیره، ج ۳، ص ۳۵۶؛ نیل

الاطوار، ج ۵، ص ۱۸۳.

۱. فتح الباری، ج ۳، ص ۴۲۸.

۲. فتح الباری، ج ۳، ص ۴۲۸.

۳. المجموع، ج ۸، ص ۳۵۸؛ فتح العزیز، ج ۸، ص ۹۳.

۴. المجموع، ج ۸، ص ۳۶۲؛ روضة المتقین، ج ۴، ص ۳۶۷؛ تهذیب

المسائل المدونه، ج ۱، ص ۱۸۶.

۵. غنیة النزوع، ص ۱۹۰؛ مستند الشیعه، ج ۱۳، ص ۱۰۵.

۶. الدرر، ج ۱، ص ۴۴۳.

شماری از فقیهان اهل سنت استحباب تقلید را در انواع سه گانه هَدَی (شتر، گاو، گوسفند) پذیرفته‌اند.^{۱۳} مالکیان و حنفیان به دلیل ضعیف بودن گوسفند در مقایسه با گاو و شتر و شایع نبودن تقلید گوسفند، آن را مستحب نمی‌دانند.^{۱۴} این نظر مخالف حدیث‌های پرشمار و صحیح قلمداد شده^{۱۵} و در نقد آن، به گزارش عایشه از تقلید گوسفند به دست پیامبر ﷺ^{۱۶} استناد کرده‌اند.^{۱۷}

در چارپایانی مانند شتر که افزون بر اشعار، تقلید نیز شدنی است، درباره ترتیب آن دو اختلاف است. برخی از اهل سنت به پشتوانه روایتی، اشعار را مقدم می‌شمرند.^{۱۸} در حدیث‌های شیعه نیز اشعار بر تقلید مقدم به شمار رفته است.^{۱۹} گروهی از بیم گریختن حیوان هنگام تقلید در صورت مقدم داشتن اشعار، تقلید را مقدم دانسته‌اند.^{۲۰} برخی نیز حج گزار را در تقدیم و تأخیر هر یک از این دو دارای اختیار دانسته‌اند.^{۲۱}

۱۳. المغنی، ج ۳، ص ۵۷۵.
۱۴. المیسوط، سرخسی، ج ۴، ص ۱۴۰؛ مواهب الجلیل، ج ۴، ص ۲۸۱؛ تحفة الاحوذی، ج ۳، ص ۵۶۰.
۱۵. صحیح مسلم، نووی، ج ۸، ص ۲۲۸.
۱۶. صحیح البخاری، ج ۲، ص ۱۸۲.
۱۷. المغنی، ج ۳، ص ۵۷۳؛ تفسیر قرطبی، ج ۶، ص ۴۰.
۱۸. المجموع، ج ۸، ص ۳۵۸؛ اسنی المطالب، ج ۱، ص ۵۳۳.
۱۹. الکافی، ج ۴، ص ۲۹۷.
۲۰. مواهب الجلیل، ج ۴، ص ۸۷؛ الشرح الکبیر، ج ۲، ص ۸۸.
۲۱. الاستذکار، ج ۴، ص ۲۴۶.

از میقات صورت پذیرد.^۱

◀ حیوانات قابل اشعار و تقلید: به باور

فقیهان امامی، اشعار مخصوص شتر است^۲؛ زیرا در حیوانی جز آن، دلیلی بر تحقق اشعار نیست.^۳ بر پایه روایات^۴، تقلید در گاو و گوسفند نیز جریان دارد.^۵ شماری از فقیهان اهل سنت نیز اشعار را ویژه شتر شمرده‌اند.^۶ ولی شافعیان^۷ و حنبلیان^۸ اشعار گاو را نیز مستحب می‌دانند. مالکیان^۹ اشعار را تنها در گاو کوهان‌دار جاری دانسته‌اند. فقیهان اهل سنت بر استحباب تقلید شتر و مستحب نبودن اشعار گوسفند، اتفاق نظر دارند.^{۱۰} شماری از اهل سنت بر تحقق تقلید در گاو نیز ادعای اجماع دارند^{۱۱}؛ ولی ابن حزم با آن مخالفت کرده است.^{۱۲}

۱. المجموع، ج ۸، ص ۳۶۱.
۲. تذکره الفقهاء، ج ۷، ص ۲۵۷؛ منتهی المطالب، ج ۲، ص ۶۷۹؛ الحدائق، ج ۱۵، ص ۵۱.
۳. معتمد العروه، ج ۲، ص ۵۳۰-۵۳۱؛ فقه الحج، ج ۳، ص ۶۱؛ آراء المراجع، ج ۱، ص ۲۰۵.
۴. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۲۷۶-۲۷۷.
۵. معتمد العروه، ج ۲، ص ۵۳۰.
۶. الموطأ، ج ۱، ص ۳۴۰-۳۴۱؛ المحلی، ج ۷، ص ۱۱۰؛ تفسیر قرطبی، ج ۶، ص ۴۰.
۷. الام، ج ۷، ص ۱۵۴؛ المجموع، ج ۸، ص ۳۵۷.
۸. المغنی، ج ۳، ص ۵۷۴؛ مطالب اولی النهی، ج ۲، ص ۴۸۶.
۹. مواهب الجلیل، ج ۴، ص ۲۸۰.
۱۰. الاستذکار، ج ۴، ص ۲۴۵؛ صحیح مسلم، نووی، ج ۸، ص ۲۲۸.
۱۱. بدایة المجتهد، ج ۱، ص ۳۰۱.
۱۲. المحلی، ج ۷، ص ۹۹.

◀ آثار اشعار و تقلید

۱. انعقاد احرام قارن (انجام‌دهنده

حج قران): از ویژگی‌های حج قران در نظر مشهور فقیهان امامی آن است که انعقاد احرام در آن، افزون بر تلبیه، با اشعار و تقلید نیز امکان‌پذیر است. آنان باور دارند که قارن برای انعقاد احرام در حج قران می‌تواند هر یک از این سه کار را برگزیند.^۱ پشتوانه آنان حدیث‌های گوناگون است^۲ که در آن‌ها و تقلید در انعقاد احرام به منزله تلبیه قلمداد شده است.^۳

با وجود این، در دیدگاه فقیهان امامی، در صورت گزینش هر یک از این دو گزینه (تلبیه یا اشعار و تقلید) انجام دادن دیگری برای احرام‌گزار مستحب است.^۴ استحباب تلبیه پس از اشعار و تقلید، از موثقه یونس بن یعقوب^۵ استنباط‌پذیر است.^۶ استحباب اشعار و تقلید در صورت اختیار تلبیه نیز از روایاتی چون حدیث فضیل بن یسار^۷ دریافت می‌شود؛ روایاتی که پس از احرام، به اشعار و تقلید نیز

۱. المبسوط، طوسی، ج ۱، ص ۳۱۵؛ کشف اللثام، ج ۱، ص ۳۱۴؛ سلسله البنایع، ج ۳۰، ص ۱۸۶.
۲. نک: وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۲۷۵-۲۸۰.
۳. تذکره الفقهاء، ج ۷، ص ۲۵۸؛ الدروس، ج ۱، ص ۳۴۹؛ مدارک الاحکام، ج ۷، ص ۱۹۶.
۴. مسالک الافهام، شهید، ج ۲، ص ۲۳۵؛ الحدائق، ج ۱۵، ص ۵۳.
۵. الکافی، ج ۴، ص ۲۹۶.
۶. جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۲۲۷-۲۲۸؛ الحدائق، ج ۱۵، ص ۵۳.
۷. الکافی، ج ۴، ص ۳۲۲.

سفارش کرده‌اند. البته برخی^۸ این حکم استحبابی را بی‌دلیل و برخی دلیل احتمالی آن را اطلاق ادله حاکی از انعقاد احرام با تلبیه، اشعار و تقلید دانسته‌اند.^۹ به تصریح شماری از فقیهان امامی، با ترک کردن اشعار و تقلید پس از انعقاد احرام با تلبیه، دیگر حج از گونه قران نخواهد بود.^{۱۰}

در برابر سخن مشهور، سید مرتضی^{۱۱} و ابن ادریس حلی^{۱۲} انعقاد احرام با اشعار و تقلید را نپذیرفته و آن را تنها با تلبیه محقق دانسته‌اند. به باور آن دو، انعقاد احرام با تلبیه بر پایه اجماع و در نتیجه متعین است. این دیدگاه با توجه به دلالت صریح حدیث‌هایی بر انعقاد احرام با اشعار و تقلید، نقد شده است.^{۱۳} البته برخی باورمندان به سخن مشهور نیز گفتن تلبیه را موافق احتیاط دانسته‌اند.^{۱۴} به باور برخی، انعقاد احرام با اشعار و تقلید وابسته به ناتوانی احرام‌گزار از انجام تلبیه است.^{۱۵} این دیدگاه را

۸. معتمد العروه، ج ۲، ص ۵۳۴-۵۳۵؛ المرتقی، ج ۲، ص ۸۲.
۹. مدارک الاحکام، ج ۷، ص ۱۹۵؛ ریاض المسائل، ج ۶، ص ۱۳۱.
۱۰. اللوامع، ج ۷، ص ۴۹۶؛ العروه الوثقی، ج ۴، ص ۶۶۶.
۱۱. الانتصار، ص ۲۵۴.
۱۲. السرائر، ج ۱، ص ۵۳۲.
۱۳. مختلّف الشیعه، ج ۴، ص ۵۱-۵۲؛ جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۲۳۶؛ معتمد العروه، ج ۲، ص ۵۳۱-۵۳۴.
۱۴. روضة المتقین، ج ۴، ص ۳۶۶؛ نجاه العباد، ص ۱۰۳، العروه الوثقی، ج ۴، ص ۶۶۶.
۱۵. الجمّل و العقود، ص ۱۳۲؛ المهذب، ج ۱، ص ۲۱۴-۲۱۵؛ الوسيله، ص ۱۵۸.

قربانی بر محصر، ارسال حیوانی که اشعار و تقلید شده کفایت نمی‌کند^۹ و قربانی دیگری لازم است؛ هر چند بیشتر فقیهان آن را کافی می‌دانند.^{۱۰} همچنین ذبح حیوانی که پس از اشعار و تقلید گم شود و پس از ذبح قربانی بدل، آن را بیابند، به باور برخی واجب است.^{۱۱}

۳. تعیین حیوان برای قربانی: به باور مشهور فقیهان امامی، پس از اشعار و تقلید، حیوان برای ذبح در منا اختصاص می‌یابد و جایگزین کردن حیوانی دیگر برای قربانی جایز نیست.^{۱۲} دلیل آنان در این زمینه، افزون بر آیه ۲ مائده/۵: ﴿لَا تُحِلُّوا شَعَائِرَ اللَّهِ﴾ روایات است.^{۱۳} شماری از حنبلیان^{۱۴} و مالکیان^{۱۵} نیز اشعار و تقلید را مانند گفتار از موجبات تعیین حیوان برای قربانی شمرده‌اند؛ زیرا کاری که دلالت بر مقصود کند، می‌تواند جانشین لفظ شود.^{۱۶} این نظر به اسحاق و ثوری نسبت یافته

نیز مخالف اطلاق روایات دانسته‌اند.^۱ از میان اهل سنت، تنها حنفیان تقلید را در انعقاد احرام دخیل می‌دانند.^۲ بر پایه دیدگاه شافعیان^۳، حنبلیان^۴ و نظر مقبول‌تر در میان مالکیان^۵ احرام تنها با نیت منعقد می‌شود و در انعقاد آن، تلبیه و تقلید و... شرط نیست. البته مالکیان همراهی نیت احرام را با تلبیه یا اشعار و تقلید، مستحب دانسته‌اند.^۶

۲. وجوب قربانی بر قارن: به تصریح فقیهان امامی، قربانی در حج قران واجب نیست؛ بلکه مستحب است قارن در منا قربانی کند. ولی اگر احرام گزار قربانی همراه آورده را اشعار یا تقلید کند، قربانی در منا بر او واجب می‌گردد.^۷ حتی بر پایه اعتقاد به برداشته شدن قربانی از عهده محصر در صورت اشتراط نیز قربانی کردن حیوانی که اشعار و تقلید شده، واجب است.^۸ به باور شماری از فقیهان امامی، در موارد وجوب

۹. السرائر، ج ۱، ص ۶۴۰.
 ۱۰. جواهر الکلام، ج ۲۰، ص ۱۲۱.
 ۱۱. المیسوط، سرخسی، ج ۱، ص ۳۷؛ مختلف الشیعه، ج ۴، ص ۲۹۲؛ نجات العباد، ص ۱۵۳.
 ۱۲. المیسوط، طوسی، ج ۱، ص ۳۷۵؛ غنیة النزوع، ص ۱۸۹؛ جامع المقاصد، ج ۳، ص ۲۴۶.
 ۱۳. التهذیب، ج ۵، ص ۲۱۹؛ کشف اللثام، ج ۶، ص ۱۷۷؛ جواهر الکلام، ج ۱۹، ص ۱۹۳.
 ۱۴. المغنی، ج ۳، ص ۵۵۹؛ الانصاف، ج ۴، ص ۸۸.
 ۱۵. مواهب الجلیل، ج ۴، ص ۲۷۷.
 ۱۶. المغنی، ج ۳، ص ۵۵۹-۵۶۰؛ کشف القناع، ج ۳، ص ۹.

۱. مستمسک العروه، ج ۱۱، ص ۳۹۷.
 ۲. المیسوط، سرخسی، ج ۴، ص ۱۳۸؛ الفتاوی الهندیه، ج ۱، ص ۲۲۲.
 ۳. المجموع، ج ۷، ص ۲۲۳؛ نهایة المحتاج، ج ۳، ص ۲۶۴.
 ۴. المغنی، ج ۳، ص ۲۳۹-۲۴۰؛ کشف القناع، ج ۲، ص ۴۷۱.
 ۵. المدونة الكبرى، ج ۱، ص ۴۰۱؛ حاشیة الدسوقی، ج ۲، ص ۲۶.
 ۶. تهذیب المسائل المدونه، ج ۱، ص ۱۸۶.
 ۷. اشارة السبق، ص ۱۳۶؛ جواهر الکلام، ج ۱۹، ص ۱۹۲، ۱۹۶؛ مهذب الاحکام، ج ۱۴، ص ۲۴۶، ۳۱۰.
 ۸. السرائر، ج ۱، ص ۶۴۰؛ کنز الفوائد، ج ۱، ص ۳۰۲-۳۰۳؛ کشف الغطاء، ص ۴۷۱.

است.^۱ با وجود این، بسیاری از فقیهان اهل سنت با این دیدگاه مخالفت کرده‌اند.^۲
(← قربانی)

۴. انتفاع از حیوان اشعار یا تقلید

شده: با توجه به حکم پیشین، هر تصرفی که مانع قربانی حیوان گردد، مانند فروش آن، بر پایه فقه امامی جایز نیست. اما بهره‌وری‌هایی مانند سوار شدن بر آن و نوشیدن شیر آن، اگر مایه زیان به آن نشود، مانعی ندارد.^۳ پشتوانه این نظر، برخی روایات^۴ از جمله حدیثی از امام صادق علیه السلام است که برای جواز بهره‌گیری از منافع حیوان تا رسیدن موعد قربانی به آیه ۳۳ حج/ استناد کرده است.^۵ بسیاری از فقیهان^۶ روایت‌هایی را که از سوار شدن بر حیوان اشعار شده منع کرده‌اند، دارای معنای کراهت یا زیانبار بودن سوار شدن بر حیوان دانسته‌اند.^۷ فقیهان شافعی^۸، حنبلی^۹ و حنفی^{۱۰}

نیز به پشتوانه حدیثی نبوی^{۱۱} سوار شدن بر هدی را در صورت ضرورت جایز شمرده‌اند، بدین شرط که مایه ضرر به آن نشود. به باور آنان، نوشیدن شیر حیوان در صورت زیان نرسیدن به نوزاد آن نیز به پشتوانه حدیثی از امام علی علیه السلام^{۱۲} جایز است. بر پایه نظر مالکیان، بهره‌گیری از شیر حیوان و سوار شدن بر آن و باربری با آن در غیر موارد ضروری مکروه است.^{۱۳}

◀ منابع

آراء المراجع فی الحج: به کوشش علی افتخاری، قم، مشعر، ۱۴۲۸ق؛ احکام الاحکام شرح عمدة الاحکام: ابن دقیق العبد (م. ۷۰۲ق.)، به کوشش شیخ مصطفی، الرساله، ۱۴۲۶ق؛ الاستذکار: ابن عبدالبر (م. ۴۶۳ق.)، به کوشش سالم محمد و محمد علی، دار الکتب العلمیه، ۲۰۰۰م؛ اسنی المطالب: زکریا الانصاری (م. ۹۲۶ق.)، به کوشش محمد تامر، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۲ق؛ اشارة السبق: ابوالمجد الحلبي (م. قرن ۶ق.)، به کوشش بهادری، قم، النشر الاسلامی، ۱۴۱۴ق؛ اعانة الطالبین: السید البکری الدمیاطی (م. ۱۳۱۰ق.)، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۸ق؛ اکمال المعلم شرح صحیح مسلم: قاضی عیاض (م. ۵۴۴ق.)؛ الام: الشافعی (م. ۲۰۴ق.)، بیروت،

۱. المغنی، ج ۳، ص ۵۵۹.
۲. المجموع، ج ۸، ص ۳۶۰؛ المغنی، ج ۳، ص ۵۵۹.
۳. شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۱۹۶-۱۹۷؛ تذکرة الفقهاء، ج ۸، ص ۲۹۲.
۴. سداد العباد، ص ۳۵۸.
۵. الکافی، ج ۴، ص ۴۹۲؛ التهذیب، ج ۵، ص ۲۲۰.
۶. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۰۵؛ فقه الصادق، ج ۱۲، ص ۱۱۵.
۷. الاستذکار، ج ۴، ص ۲۴۱؛ جواهر الکلام، ج ۱۹، ص ۲۱۱؛ کتاب الحج، داماد، ج ۳، ص ۲۹۷.
۸. الام، ج ۲، ص ۲۳۸؛ المجموع، ج ۸، ص ۳۶۵-۳۶۸؛ حلیة العلماء، ج ۳، ص ۳۱۴.

۹. المغنی، ج ۳، ص ۵۶۳.
۱۰. البحر الرائق، ج ۳، ص ۱۲۹.
۱۱. صحیح مسلم، ج ۴، ص ۹۲.
۱۲. السنن الکبری، ج ۵، ص ۲۲۷.
۱۳. مواهب الجلیل، ج ۴، ص ۲۸۸-۲۸۹.

فردوسی، ۱۳۸۷ش؛ **جواهر الكلام**: النجفی (م. ۱۲۶۶ق.)، به كوشش قوچانی و ديگران، بيروت، دار احیاء التراث العربی؛ **حاشیة الدسوقي**: الدسوقي (م. ۱۲۳۰ق.)، احیاء الكتب العربیة؛ **حاشیة رد المحتار**: ابن عابدين (م. ۱۲۵۲ق.)، بيروت، دار الفكر، ۱۴۱۵ق؛ **الحقائق الناصره**: يوسف البحرانی (م. ۱۱۸۶ق.)، به كوشش آخوندی، قم، نشر اسلامي، ۱۳۶۳ش؛ **حلیة العلماء فی معرفة مذاهب الفقهاء**: محمد بن احمد شاشی القفال (م. ۵۰۷ق.)، به كوشش یاسین احمد ابراهيم درادكه، بيروت، الرساله، ۱۹۸۰م؛ **الدروس الشرعيه**: الشهيد الاول (م. ۷۸۶ق.)، قم، نشر اسلامي، ۱۴۱۲ق؛ **ذخيرة المعاد**: محمد باقر السبزواری (م. ۱۰۹۰ق.)، آل البيت (ع)؛ **الذخيره**: احمد بن ادریس القرافي، به كوشش حجي، بيروت، دار الغرب الاسلامي، ۱۹۹۴م؛ **روح المعاني**: الألوسی (م. ۱۲۷۰ق.)، به كوشش علی عبدالباری، بيروت، دار الكتب العلمیه، ۱۴۱۵ق؛ **روض الجنان**: ابوالفتح رازی (م. ۵۵۴ق.)، به كوشش باحقی و ناصح، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۵ش؛ **الروضة البهیة**: الشهيد الثاني (م. ۹۶۵ق.)، به كوشش كلانتر، قم، داوری، ۱۴۱۰ق؛ **روضة المتقين**: محمد تقی المجلسی (م. ۱۰۷۰ق.)، قم، مؤسسه فرهنگي اسلامي كوشانپور، ۱۴۰۶ق؛ **رياض المسائل**: سيد علی الطباطبائي (م. ۱۲۳۱ق.)، قم، النشر الاسلامي، ۱۴۱۲ق؛ **سداد العباد و رشاد العباد**: حسين محمد بحرانی (م. ۱۲۱۶ق.)، به كوشش آل عصفور، قم، محلاتی، ۱۴۲۱ق؛ **السرائر**: ابن ادریس (م. ۵۹۸ق.)، قم، نشر اسلامي، ۱۴۱۱ق؛ **سلسلة النبايع الفقهيہ**: علی اصغر مرواريد، بيروت، دار التراث، ۱۴۱۰ق؛ **سنن الترمذی**: الترمذی (م. ۲۷۹ق.)، به كوشش عبدالوهاب، بيروت، دار

دار الفكر، ۱۴۰۳ق؛ **الانصاف فی معرفة الراجح من الخلاف**: المرادوی (م. ۸۸۵ق.)، به كوشش محمد حامد، بيروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۷۷ق؛ **الانتصار**: السيد المرتضى (م. ۴۳۶ق.)، قم، النشر الاسلامي، ۱۴۱۵ق؛ **البحر الرائق**: ابونجيم المصري (م. ۹۷۰ق.)، به كوشش زكريا عميرات، بيروت، دار الكتب العلمیه، ۱۴۱۸ق؛ **بداية المجتهد**: ابن رشد القرطبي (م. ۵۹۵ق.)، به كوشش العطار، بيروت، دار الفكر، ۱۴۱۵ق؛ **بدائع الصنائع**: علاء الدين الكاساني (م. ۵۸۷ق.)، باكستان، المكتبة الحبيبيه، ۱۴۰۹ق؛ **تاج العروس**: الزبيدي (م. ۲۰۵ق.)، به كوشش علی شيری، بيروت، دار الفكر، ۱۴۱۴ق؛ **التبيان**: الطوسي (م. ۴۶۰ق.)، به كوشش العاملي، بيروت، دار احیاء التراث العربی؛ **تحرير الاحكام الشرعيه**: العلامة الحلی (م. ۷۲۶ق.)، به كوشش بهادری، قم، مؤسسه الامام الصادق (ع)؛ **تحفة الاحوذی**: المبارك فوری (م. ۳۵۳ق.)، بيروت، دار الكتب العلمیه، ۱۴۱۰ق؛ **تذكرة الفقهاء**: العلامة الحلی (م. ۷۲۶ق.)، قم، آل البيت (ع)؛ **۱۴۱۴ق؛ تفسير قرطبي (الجامع لاحكام القرآن)**: القرطبي (م. ۶۷۱ق.)، بيروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ق؛ **التفسير الكبير**: الفخر الرازی (م. ۶۰۶ق.)، قم، دفتر تبلیغات، ۱۴۱۳ق؛ **التنقيح الرائع**: الفاضل المقداد (م. ۸۲۶ق.)، به كوشش كوه كمره ای، قم، مكتبة النجفی، ۱۴۰۴ق؛ **تهذيب الاحكام**: الطوسي (م. ۴۶۰ق.)، به كوشش موسوی و آخوندی، تهران، دار الكتب الاسلاميه، ۱۳۶۵ش؛ **تهذيب المسائل المدونه**: خلف بن ابی القاسم القيروانی (م. قرن ۴ق.)، به كوشش احمد فريد المزيدي؛ **جامع المقاصد**: الكركي (م. ۹۴۰ق.)، قم، آل البيت (ع)؛ **۱۴۱۱ق؛ الجمل و العقود فی العبادات**: طوسي (م. ۴۶۰ق.)، مشهد، دانشگاه

الحج: لطف الله صافي، قم، مؤسسه حضرت معصومه عليها السلام، ١٤٢٣ق؛ **فقه الصادق عليه السلام**: سيد محمد صادق روحاني، قم، دار الكتاب، ١٤١٣ق؛ **كتاب الحج**: سيد محمد محقق داماد (م.١٣٨٨ق.)، به كوشش آملی، قم، چاپخانه مهر، ١٤٠١ق؛ **كشف الغطاء عن مبهمات الشريعة الغراء**: كاشف الغطاء (م.١٢٢٨ق.)، قم، دفتر تبليغات اسلامي، ١٤٢٢ق؛ **كنز الفوائد في حل مشكلات القواعد**: السيد عبدالمطلب العميدى (م.٧٥٤ق.)، به كوشش واعظي و ديگران، قم، انتشارات اسلامي، ١٤١٦ق؛ **الكافي**: الكليني (م.٣٢٩ق.)، به كوشش غفاري، تهران، دار الكتب الاسلاميه، ١٣٧٥ش؛ **كشف القناع**: منصور البهوتي (م.١٠٥١ق.)، به كوشش محمد حسن، بيروت، دار الكتب العلميه، ١٤١٨ق؛ **كشف اللثام**: الفاضل الهندي (م.١١٣٧ق.)، قم، نشر اسلامي، ١٤١٦ق؛ **كلمة التقوى (فتاوى)**: محمد امين زين الدين، قم، مهر، ١٤١٣ق؛ **لسان العرب**: ابن منظور (م.٧١١ق.)، قم، ادب الحوزه، ١٤٠٥ق؛ **اللمعة الدمشقيه: الشهيد الاول (م.٧٨٦ق.)**، به كوشش كوراني، قم، دار الفكر، ١٤١١ق؛ **لوامع صاحبقراني**: محمد تقى مجلسي (م.١٠٧٠ق.)، قم، اسماعيليان، ١٤١٤ق؛ **المبسوط في فقه الاماميه**: الطوسي (م.٤٦٠ق.)، به كوشش بهبودي، تهران، المكتبة المرتضويه: **المبسوط**: السرخسي (م.٤٨٣ق.)، بيروت، دار المعرفه، ١٤٠٦ق؛ **مجمع البيان**: الطبرسي (م.٥٤٨ق.)، به كوشش گروهی از علما، بيروت، اعلمی، ١٤١٥ق؛ **المجموع شرح المهذب**: النووي (م.٧٦٦ق.)، دار الفكر: **المحلى بالأثار**: ابن حزم الاندلسي (م.٤٥٦ق.)، به كوشش احمد شاکر، بيروت، دار الفكر: **مختصر خليل**: محمد بن يوسف (م.٨٩٧ق.)، بيروت، دار الكتب العلميه، ١٤١٦ق؛ **مختلف الشيعه**: العلامة الحلبي

الفكر، ١٤٠٢ق؛ **السنن الكبرى**: البيهقي (م.٤٥٨ق.)، بيروت، دار الفكر: **شرائع الاسلام**: المحقق الحلبي (م.٦٧٦ق.)، به كوشش سيد صادق شيرازي، تهران، استقلال، ١٤٠٩ق؛ **الشرح الكبير**: ابوالبركات (م.١٢٠١ق.)، دار احياء الكتب العربيه؛ **شرح صحيح البخاري**: ابن بطلال (م.٤٤٩ق.)، به كوشش ياسر بن ابراهيم، رياض، مكتبة الرشد، ١٤٢٣ق؛ **شرح فروع كافي**: محمد هادي بن محمد صالح مازندراني (م.١١٢٠ق.)، به كوشش محمودى و درايتي، قم، دار الحديث، ١٤٢٩ق؛ **شرح مختصر خليل**: محمد بن عبدالله الخرشى (م.١١٠١ق.)، بيروت، دار الفكر: **المصاحح**: الجوهرى (م.٣٩٣ق.)، به كوشش العطار، بيروت، دار العلم للملايين، ١٤٠٧ق؛ **صحيح البخاري**: البخاري (م.٢٥٦ق.)، بيروت، دار الفكر، ١٤٠١ق؛ **صحيح مسلم بشرح النووي**: النووي (م.٦٧٦ق.)، بيروت، دار الكتاب العربي، ١٤٠٧ق؛ **صحيح مسلم**: مسلم (م.٢٦١ق.)، بيروت، دار الفكر: **العرف الشدى شرح سنن الترمذى**: محمد انور شاه بن معظم شاه الكشميري (م.١٣٥٣ق.)، به كوشش محمود شاکر، بيروت، دار التراث العربى، ١٤٢٥ق؛ **العروة الوثقى**: سيد محمد كاظم يزدى (م.١٣٣٧ق.)، قم، نشر اسلامي، ١٤٢٠ق؛ **علل الشرايع**: الصدوق (م.٣٨١ق.)، بيروت، اعلمی، ١٤٠٨ق؛ **عمدة القارى**: العيني (م.٨٥٥ق.)، بيروت، دار احياء التراث العربى؛ **غنية النزوع**: الحلبي (م.٥٨٥ق.)، به كوشش بهادري، قم، مؤسسه امام صادق عليه السلام، ١٤١٧ق؛ **الفتاوى الهنديه**: الشيخ نظام و الجماعة من علماء الهند، دار الفكر، ١٤١١ق؛ **فتح الباري**: ابن حجر العسقلاني (م.٨٥٢ق.)، بيروت، دار المعرفه؛ **فتح العزيز**: عبدالكريم بن محمد الرافي (م.٦٢٣ق.)، دار الفكر: **الفقه الاسلامي و ادلته**: وهبة الزحيلي، دمشق، دار الفكر؛ **فقه**

فی بیان الحلال و الحرام: سید عبدالاعلی سبزواری (م. ۱۴۱۴ق.)، قم، المنار، ۱۴۱۳ق؛ **المهذب**: القاضی ابن البراج (م. ۴۸۱ق.)، به کوشش جمعی از محققان، قم، نشر اسلامی، ۱۴۰۶ق؛ **نجاة العباد**: محمد حسن نجفی (م. ۱۲۶۶ق.)، به کوشش رضوی و سلیل و صدرالدین و یزدی، ۱۳۱۸ق؛ **نهاية المحتاج الى شرح المنهاج**: محمد بن ابی العباس الرملى (م. ۱۰۰۴ق.)، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۴ق؛ **نیل الاوطار**: الشوکانی (م. ۱۲۵۵ق.)، بیروت، دار الجیل، ۱۹۷۳م؛ **وسائل الشیعه**: الحر العاملى (م. ۱۱۰۴ق.)، قم، آل البیت علیهم السلام، ۱۴۱۲ق؛ **الوسيلة الى نیل الفضيله**: ابن حمزه (م. ۵۶۰ق.)، به کوشش الحسون، قم، مکتبه النجفی، ۱۴۰۸ق.

حمیدرضا خراسانی



اشفاق: ديه جراحت و سازمان دهی آن در

روزگار جاهلیت در مکه

اشفاق جمع شَنَقٌ^۱ به معنای درازی سر هنگام بالا بردن آن و هر چیز ممتد در حال آویختگی است. به رسمانی که با آن دهانه مشک را می بندند و می آویزند و نیز افسار چارپایان شناق گفته می شود. نیز به ديه جراحت هایي که موجب قصاص نبود و از ديه کامل انسان کمتر بود، اشفاق

۱. معجم مقایس اللغه، ج ۳، ص ۲۱۹؛ لسان العرب، ج ۱۰، ص ۱۸۹؛ مجمع البحرين، ج ۲، ص ۵۴۷، «شقق».

(م. ۷۲۶ق.)، قم، النشر الاسلامی، ۱۴۱۲ق؛ **مدارك الاحكام**: سید محمد بن علی الموسوی العاملى (م. ۱۰۰۹ق.)، قم، آل البیت علیهم السلام، ۱۴۱۰ق؛ **المدونة الكبرى**: مالک بن انس (م. ۱۷۹ق.)، مصر، مطبعة السعادة؛ **المرتقى الى الفقه الارقى**: سید محمد حسینی قمی، تهران، مؤسسه الجلیل للتحقیقات الثقافیه، ۱۴۱۹ق؛ **مسالك الافهام الى آیات الاحكام**: فاضل الجواد الكاظمی (م. ۱۰۶۵ق.)، به کوشش شریف زاده، تهران، مرتضوی، ۱۳۶۵ش؛ **مسالك الافهام الى تنقيح شرائع الاسلام**: الشهيد الثاني (م. ۹۶۵ق.)، قم، معارف اسلامی، ۱۴۱۶ق؛ **مستمسک العروة الوثقى**: سید محسن حکیم (م. ۱۳۹۰ق.)، قم، مکتبه النجفی، ۱۴۰۴ق؛ **مستند الشیعه**: احمد النراقی (م. ۱۲۴۵ق.)، قم، آل البیت علیهم السلام، ۱۴۱۵ق؛ **مطالب اولی النهی فی شرح غایة المنتهى**: مصطفی السیوطی (م. ۱۲۴۳ق.)، دمشق، المکتب الاسلامی، ۱۹۶۱م؛ **معتمد العروة الوثقى**: محاضرات الخوئی (م. ۱۴۱۳ق.)، الخلیف، قم، مدرسه دار العلم، ۱۴۰۴ق؛ **معجم المصطلحات و اللفاظ الفقهيہ**: محمود عبدالرحمن؛ المغنی: عبدالله بن قدامه (م. ۶۲۰ق.)، بیروت، دار الکتب العلمیه؛ **المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام**: جواد علی (م. ۱۴۰۸ق.)، دار الساقی، ۱۴۲۲ق؛ **من لا یحضره الفقیه**: الصدوق (م. ۳۸۱ق.)، به کوشش غفاری، قم، نشر اسلامی، ۱۴۰۴ق؛ **منتهى المطلب**: العلامة الحلی (م. ۷۲۶ق.)، چاپ سنگی؛ **مواهب الجلیل**: الخطاب الرعینی (م. ۹۵۴ق.)، به کوشش زکریا عمیرات، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۶ق؛ **مواهب الرحمن**: سید عبدالاعلی السبزواری، بیروت، مؤسسه اهل بیت علیهم السلام، ۱۴۰۹ق؛ **الموطأ**: مالک بن انس (م. ۱۷۹ق.)، به کوشش محمد فؤاد، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۶ق؛ **مهذب الاحكام**